



رهبر معظم انقلاب اسلامی: تمام ابعاد شخصیت آیت‌الله طالقانی را معرفی کنید

اعضای ستاد برگزاری همایش نکوداشت یکصدمین سالروز میلاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی(ره) با رهبر معظم انقلاب دیدار کردند.

جام جم آنلاین: اعضای ستاد برگزاری همایش نکوداشت یکصدمین سالروز میلاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی(ره) با رهبر معظم انقلاب دیدار کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در این دیدار با تمجید از اقدام ستاد نکوداشت آیت‌الله طالقانی تاکید کردند: آقای طالقانی را با همه ابعاد معرفی کنید، ایشان صرف یک روشنفکر مذهبی نیست، همچنانی که صرف یک پیشنهاد مسجد هدایت نیست، همچنانی که صرف یک مبارز نیست، یعنی مجموعه این خصوصیات را در ایشان معرفی کنید. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، متن کامل بیانات معظم‌له در این دیدار را به مناسبت آغاز این همایش به شرح زیر منتشر می‌کند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

آقای طالقانی اهل فکر نو بر محور دین و با تمرکز بیشتر بر روی قرآن و نهج‌البلاغه [بود]؛ یعنی ایشان اصلاً اینجوری بود. لکن همه‌ی ابعاد شخصیت آقای طالقانی بُعد روشنفکری دینی نیست. یک بُعد مهم بُعد مبارزه است. خیلی‌ها روشنفکر بودند اهل مبارزه نبودند؛ روشنفکر دینی هم بودند اهل مبارزه نبودند؛ همان خصلت عمومی تقریباً [همه‌ی] روشنفکران دیروز و شاید بعضاً امروز ما در آنها هم بود که من یک وقت از یک نمایشنامه‌ای نقل کردم آقای روی ایوان [را] که پائین نمی‌آید توی مردم نمی‌آید با متن قضیه کار ندارد با میدان کار ندارد، بالای ایوان می‌نشیند تماشا میکند حرف می‌زند! خب خیلی از روشنفکرهای دینی اینجوری بودند [اما] آقای طالقانی نه، اهل عمل بود؛ یعنی توی میدان بود، احساس درد میکرد حقیقتاً؛ این را ما که با ایشان معاشر بودیم رفت و آمد میکردیم- میدیدیم، محسوس بود در ایشان، واضح بود که آدمی اهل درد بود و میخواست مبارزه کند؛ لذا تبعات مبارزه راهم قبول کرد [و به] زندان افتاد؛ هیچ اظهاری از آقای طالقانی بالواسطه [یا] بی‌واسطه نقل نشد؛ [البته] من هیچوقت با ایشان هم‌زندان نبودم، اما هم‌زندانهای ایشان هم نقل میکنند؛ خود ما هم دیدن ایشان میرفتیم گاهی از مشهد که من می‌آمدم، روزهای ملاقات میرفتم زندان قصر از پشت میله‌ای صحبت میکردند؛ دائم روحیه میدادند.

من دادگاه تجدید نظر ایشان، توی دادگاه بودم. یک صورت ظاهری درست کرده بودند که هر کس می‌خواهد بباید. یک سالن کوچکی گذاشته بودند آقای طالقانی و دیگران نشسته بودند، ما هم آمدیم به عنوان تماشاچی آنجا نشستیم. در وقت تنفس، من اول‌بار آنجا آقای طالقانی را از نزدیک دیدم. از دور ایشان را می‌شناختیم و اسمش را شنیده بودیم اما از نزدیک، من اول‌بار آنجا ایشان را دیدم. منش آقای طالقانی توی این دادگاه اصلاً روحیه‌بخش بود؛ خود منش ایشان. ایشان توی آن دادگاه نشسته بود، یک عصا هم دستش گرفته بود، با بی‌اعتنائی تمام؛ رئیس دادگاه اسم متهمین را می‌آورد که بلند شوند خودشان را معرفی کنند؛ ایشان نه بلند شد، نه خودش را معرفی کرد؛ همان طور نشسته بود! آن رئیس دادگاه هم یک سرلشکری بود، هی دو بار سه بار تکرار کرد؛ ایشان هم بی‌اعتنا نشسته بود و به نظرم شاید این را هم گفت: خب من را که می‌شناسید، من محمود طالقانی‌ام! یک آدم اینجوری‌ای بود، یعنی آدم مبارز، متکی به نفس، دارای اعتماد به نفس، متکی به خدا. این یکی از ابعاد آقای طالقانی.

یک بعد دیگر آقای طالقانی که به نظر من نباید فراموش بشود، صفای این مرد بود. به قدری این آدم با صفا و روراست و در معاشرته‌ها صادق بود که انسان از این همه زلالی حیرت میکرد. آدم زلالی بود آقای طالقانی. هیچ در قید و بند و ملاحظات و [اینها نبود]؛ نه ملاحظات آخوندی، نه ملاحظات روشنفکری، نه ملاحظات مبارزاتی چیزهایی که حالا به خودشان ببندند- مطلقاً در این آدم وجود نداشت؛ صاف، روشن. هر وقت من می‌آمدم تهران، اوقاتی که ایشان آزاد بودند، میرفتیم منزل ایشان یک بار دو بار- می‌نشستیم؛ این منزل پیچ‌شمیران. البته آن منزل بالا هم رفته بودم من، اما بیشتر اینجا ایشان را میدیدیم. انسان [وقتی] می‌نشست پهلوی این مرد، واقعاً روحیه میگرفت؛ هم روحیه‌ی مبارزاتی، هم روحیه‌ی صفا و رفاقت و معنویت و اینها. اینها در این شخصیت‌های برجسته، خوب است بزرگ بشود. ماها غالباً آدمها- مبتلا هستیم به یک چیزهایی. این آدم، آدم صافی بود، روراست بود، بی‌شائبه و بی‌شیله‌پيله بود. نتیجه‌ی این بی‌شیله‌پيله بودن [هم] صراحتش بود، صراحت در بیان. همان خطبه‌ای که شما اشاره کردید، این خطبه را نمیشود عادی به حساب آورد؛ اینها دائماً میگفتند «#؛ پدر طالقانی؛ اصلاً خودشان را فرزندان او معرفی میکردند، به عنوان «#؛ پدر؛ او را اسم میردند. کیست که توی این رودبایستی گیر نکند؟ آن آدمی که توی اینجور رودبایستی‌ها گیر نکند و برود آنجور قرص و محکم توی خطبه و موضع به آن صراحت و به آن شدت بگیرد، کیست؟ اینجور آدمی را آدم واقعا بگردد پیدا کند! مرحوم طالقانی اینجوری بود. من بعد از همین خطبه‌ی ایشان تلفن کردم؛ گفتم آقا من خواستم از شما تشکر کنم به خاطر این خطبه، گفت بله، خیلی‌ها هم تلفن میکنند فحش میدهند به خاطر همین خطبه! اینجوری بود دیگر، تحمل میکرد، یعنی آدمی بود [با] یک روحیه‌ی اینجوری.

غرض، چقدر خوب است که آقای طالقانی معرفی میشود. این مناسبت صدسالگی هم [خوب است]. ایشان ظاهراً متولد حدود هزار و سیصد و بیست و نه قمری [هستند]. مرحوم آقای آسید مرتضای عسگری که با ایشان رفیق و همدوره و در قم با هم بودند، به نظم میگفت: من دو سال بزرگترم از آقای طالقانی. به هرحال تاریخ، همان تاریخی که نوشته شده درست است لابد. ان شاءالله که خدا کمکتان کند. این کار، کار خوبی است؛ منتها آقای طالقانی را با همه‌ی ابعاد معرفی کنید. صرف یک روشنفکر مذهبی نیست، همچنانی که صرف یک پیشنماز مسجد هدایت نیست، همچنانی که صرف یک مبارز نیست، یعنی مجموعه‌ی این خصوصیات را در ایشان معرفی کنید.